

ما خود ارتباطیم!

عباس علایی

رئیس اتحادیه کشوری چاپخانه داران سنتی

تبادل و ارائه اطلاعات و احساسات بین مخاطبین به علت های گوناگونی نظیر بررسی مسائل شغلی و فردی، بیان انتظارات و توقعات از یکدیگر و طرح ایده ها و عقاید مختلف صورت می پذیرد که در این راستا، قهوه خانه هایند که ریشه در تاریخ کهن این مرز و بوم داشته و به مثابه یکی از مشخصه های فرهنگ ایرانی د گذشته ای نه چندان دور، علاوه بر پذیرایی از مشتریان، از جهات دیگر به ویژه ارتباطات اجتماعی به عنوان مامنی مناسب جهت ملاقات و دید و بازدید های گروهی اهمیت داشته است. از دیدگاه معماری نیز بنیان و تزئین آن در بعضی مواقع، جلوه گاه هنرهای سنتی اسلامی ایرانی بوده است. از سوی دیگر نقش مهم این اماکن در پیوند تنگاتنگ آن با آیین نامه ها، آداب و رسوم محلی و دیگر عرصه های فرهنگ مردم، قابل تامل و بررسی است. زیرا ثبت و ضبط مشخصه های فنی، هنری، اجتماعی و فرهنگی آنها، به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایران، ضرورتی است که می تواند مورد استفاده علاقه مندان، جهانگردان و گردشگران قرار گیرد. بر مبنای شواهد، پیدایی مکانی به نام قهوه خانه در سرزمین ایران، به دوره صفویه و به احتمال فراوان، مقارن با سلطنت شاه طهماسب صفوی بر می گردد. علاوه بر اماکن اقتصادی، مهم ترین فضای فرهنگی و اجتماعی یک شهر، مسجد جامع، مدارس علمیه، خانقاه، زورخانه، قهوه خانه و ... بوده که قهوه خانه ها بیشتر در بازارچه ها شکل می گرفت، به گونه ای که مردم می توانستند از آن برای تجمع های کوچک و گروهی استفاده کنند. مادام «کارلاسنا» در سفرنامه خود درباره اهمیت و جایگاه مردمی قهوه خانه ها می نویسد: «بازار محل اقامت و قرارهای عمومی است که مردم درباره مسائل مختلف و امور دولتی نیز به شور و تبادل نظر می پردازند و هیچ جای دیگر، چون

بازار و به ویژه قهوه خانه آن، محل تجمع جالب و اختلاط طبقات مردم نیست. زیرا در بازار هیچ موضوعی نه سری است و نه مورد احترام.» روی هم رفته، ساختار قهوه خانه یک معماری تقلیدی و التقاطی برگرفته از سبک و شیوه معماری سنتی شناخته شده حمام و زورخانه و تکیه بود و به این ترتیب، سبک معماری بینه در حمام های عمومی قدیمی، الگوی فضاسازی در ساختمان سرپوشیده قهوه خانه بود. آن چه هواخواهان و مشتریان زیادی برای قهوه خانه ها درست و پا می کرد، کارکرد ارتباطی و تفریحی قهوه خانه بود. تقریباً همه گروه ها و طبقات اجتماعی، به قهوه خانه های مخصوص خود می رفتند و در دیدارها و گفت و گوهای دو نفره یا چند نفره، نه فقط از حال و روز یکدیگر باخبر می شدند، بلکه اخبار محله، شهر و مملکت را نیز دهان به دهان می پرخاندند و به اطلاع هم می رساندند. اما از این جذاب تر، تفریحات رایج در قهوه خانه بود. تفریحاتی چون نقالی، سخنوری، شاهنامه خوانی، ترنا بازی، پادشاه وزیری، شعر خوانی، آواز خوانی، غزل خوانی و ... که می توانستند برای ساعت ها مردمانی از طبقات گوناگون و با سن و سال و سلیقه های گوناگون را سرگرم کنند. برخی از این برنامه ها مانند شاهنامه خوانی از کارکرد آموزشی نیز خالی نبودند و آگاهی های تاریخی، ادبی، حکمی و اخلاقی بسیاری را عرضه می کردند. همین کارکردهای گسترده موجب شده تا برخی از پژوهشگران به این باور برسند که قهوه خانه تا حدود زیادی نقش «حوزه عمومی» را بازی می کرد. یعنی همان چیزی که به گفته هابرماس در سده های ۱۷ و ۱۸ میلادی، کافه و تریاهای اروپایی بر عهده داشته اند.